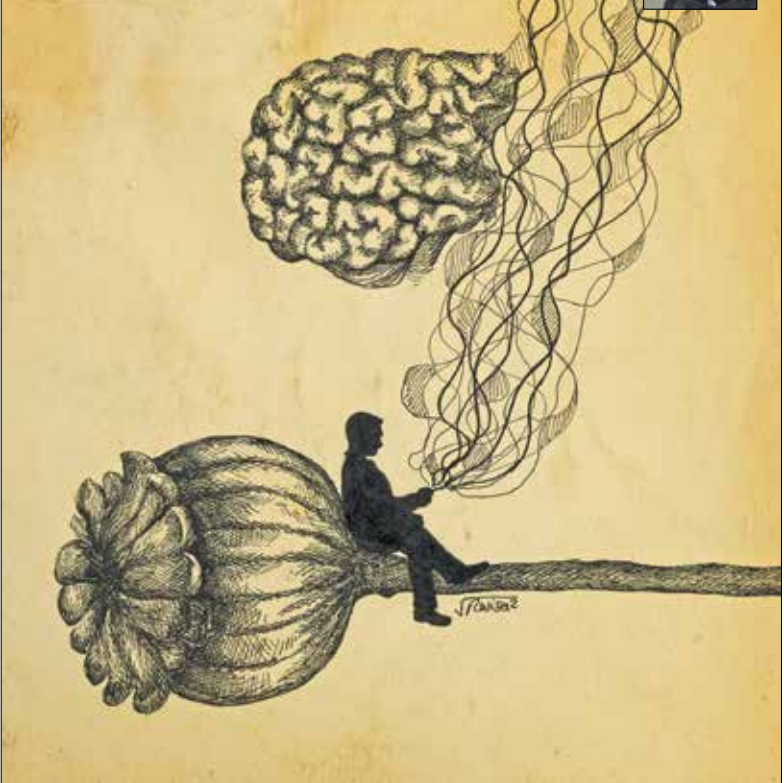


<div><div><div><div></div><div><div>ایران</div></div></div></div></div>	<div>تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۴۰ ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ سندوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۸۸۵۴۸۸۹۶-۵ http://irannewspaper.ir</div>
اذان ظهر ۱۳/۰۷ اذان مغرب ۲۰/۴۵ نیمه شب شرعی ۰۵/۱۴ اذان صبح فردا ۴/۰۴ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰	
<div><div><div><div><div><div></div><div><div>امام علی علیه‌السلام: خودت را به کارهای زیا عادت بده که اگر به آنها عادت کنی، برایت لذت بخش می شوند.</div></div></div></div><div></div>سخن روز</div></div></div>	
<div><div></div> [شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۲۰، ص۲۶۶، ح۱۹۲]</div>	

<div><div></div>نگاره</div>	<div><div></div>اعتیاد، اضمحلال ذهن</div>
<div><div></div>پریسا نور اللاهی</div>	<div><div></div>به‌مناسبت روز جهانی مبارزه با موادمخدر</div>



اتوبوس – خبرنگاران – سربازان

حادثه اتوبوس خبرنگاران و درگذشت ریحانه یاسینی و مهشاد کریمی خبرنگاران ایرنا و ایسنا، در چند روز گذشته جامعه را متأثر کرد. از روز حادثه تا دیروز کاربران شبکه‌های اجتماعی در کنار همدردی با خانواده و دوستان این دو خبرنگار از ضعف سیستم اتوبوسرانی و نظارت بر آن نوشتند و حوادث مشابه را یادآوری کردند. تصادف اتوبوس در دهشیر یزد که کشته شدن ۵ سرباز را همراه داشت این انتقادها را بیشتر کرد: «آقای مسئول سازمان محیط زیست چرا رفتی اتوبوس کارگران کارخانه سیمان رو که مناسب اون مسیر نبود، واسه جابه‌جایی خبرنگارها گرتی؟ چون رایگان بود؟»،

«اینکه می‌گید اتوبوس برای کارگران سیمان بوده و اگر اطلاع می‌دادن اتوبوس بهتر با اسکورت تهیه می‌کردیم، نمک روی زخم است. لطفاً ادامش ندید. جان کارگر سیمان هم عزیز است»، «۱۵ ساله که مسیر قزوین تا بونین زهر را با اتوبوس می‌روم، هر روز که از خانه بیرون می‌آیم جوری نگاه همسر و فرزند می‌کنم که گویی آخرین بار است، از راننده‌ای که پشت فرمان می‌خواهد تا اتوبوسی که معاینه فنی ندارد و...». «هنوز چند ساعت از واژگون شدن اتوبوس خبرنگاران محیط زیست نگذشته بود که اتوبوس سرباز معلم‌ها دچار حادثه شد و پنج سرباز معلم جان خود را از دست دادند. این ضایعه را به خانواده‌های این سربازان تسلیت می‌گویم، اما آیا پلیس راه نمی‌خواهد نسبت به معاینه فنی اتوبوس‌ها نظارت جدی داشته باشد؟»، «ای کاش یکی می‌پرسید برای



فاجعه هستند»، «خبرنگار رو دعوت کردید و با اتوبوس بدون ترمز و بدون بیمه و بدون مجوز تردد، فرستادید ته دره و حالا فقط راننده روز شغل رانندگی محروم کردید؟»، «یعنی هیچ‌کس مسئول منع تردد اتوبوس‌های از دره خارج شده نیست؟ پلیس راه نداریم؟»

شهروند

مجازی

بیکانه خدماتی

توثیت جنجالی

توثیت کیانوش جهانپور مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت درباره واکنس داخلی و خارجی به دلیل ادبیات جهانپور و واژه‌ای که با آن منتقدان را خطاب قرار داده بود حساسی حاشیه‌ساز شد. این توثیت بلافاصله مورد توجه قرار گرفت و کاربران به جهانپور به دلیل ادبیاتش انتقاد کردند و خواهان برگزاری او هستند: «جناب دکتر جهانپور عزیز این ادبیات در شان یک پزشک/ مسئول دولتی نیست»، «چه ادبیات سخیفی از یک مدیر حوزه سلامت می‌نویم»، «بابد بهشون یاد بدیم که با ملت چه جوری صحبت کنن»، «کاش همکارمون آقای جهانپور با عذرخواهی از مردم شریف ایران، گود روابط عمومی رو ببوسن و عرصه رو به اهلس واکذار کنن»، «این نخستین بار نیست که جهانپور در مقابل شهروندان بی ادبی می‌کند و به نظر می‌رسد هیچ‌کس نیست که به این مثلاً وپترین وزارت اندکی احترام و ادب نسبت به شهروندان بیاموزد. مطالبه اخراج جهانپور اکنون شاید تلاشی است از سوی شهروندان که به این مسئولان اندکی ادب بیاموزد.» «درفشانی‌های جناب دکتر کیانوش جهانپور

توثیت کیانوش جهانپور
مدیرکل روابط عمومی
وزارت بهداشت
درباره واکنس داخلی و خارجی
به دلیل ادبیات جهانپور و واژه‌ای که با آن منتقدان را خطاب قرار داده بود حساسی حاشیه‌ساز شد. این توثیت بلافاصله مورد توجه قرار گرفت و کاربران به جهانپور به دلیل ادبیاتش انتقاد کردند و خواهان برگزاری او هستند: «جناب دکتر جهانپور عزیز این ادبیات در شان یک پزشک/ مسئول دولتی نیست»، «چه ادبیات سخیفی از یک مدیر حوزه سلامت می‌نویم»، «بابد بهشون یاد بدیم که با ملت چه جوری صحبت کنن»، «کاش همکارمون آقای جهانپور با عذرخواهی از مردم شریف ایران، گود روابط عمومی رو ببوسن و عرصه رو به اهلس واکذار کنن»، «این نخستین بار نیست که جهانپور در مقابل شهروندان بی ادبی می‌کند و به نظر می‌رسد هیچ‌کس نیست که به این مثلاً وپترین وزارت اندکی احترام و ادب نسبت به شهروندان بیاموزد. مطالبه اخراج جهانپور اکنون شاید تلاشی است از سوی شهروندان که به این مسئولان اندکی ادب بیاموزد.» «درفشانی‌های جناب دکتر کیانوش جهانپور

اجرای زنده موسیقی در فضای باز را پیشنهاد می‌کنیم

عبدالحسین مختیاد: باتوجه به فصل تابستان و گرمای هوا، می‌توان بارعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی از فضای بازی برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی استفاده کرد. درواقع راه حل موجود برای بازگشت به کار اهالی موسیقی، خوانندگان، نوازندگان، آهنگسازان، تهیه‌کنندگان و کنسرت‌گذاران و... در شرایطی که نمی‌توان چندان به‌بازگشت به سال‌ها امید بست، همین است و مسئولان و متولیان آن در خانه موسیقی باید به این بیندیشند که بدستی بیفشانند و در کشوری که می‌توان کشور آفتاب‌ناמידش از موقعیت فعلی برای ایجاد تغییر استفاده کنند.
بایان همه‌نکته اصلی حفظ جان مردم است و کادر درمان زحماتی بی‌شائبه کشیده‌اند تا میزان مرگ‌ومیر را در اثر ابتلا به کرونا کاهش دهند و باید صمیمانه از آنها سپاسگزار بود و ما هم نمی‌خواهیم چندصباح دیگر بگویند اهالی موسیقی جان مردم را به خطر انداختند. بنابراین به جای برگزاری کنسرت در سالن سرپوشیده، اجرای زنده در فضای باز را پیشنهاد می‌کنیم. فراموش نکنیم که در شرایط فعلی با جامعه‌ای مخموم مواجه ایم و بایان اقدام هم می‌توان فرصت دوباره کار را برای هنرمندان ایجاد کرد و هم اندکی از آلوده مردم کاست.

بخشی از گفت‌وگوی این خواننده، آهنگساز و مدرس موسیقی با خبر آنلاین



از آموزشگاه‌های موسیقی حمایت کنید

که برخی از آموزشگاه‌های موسیقی به‌سبب همین شرایط تعطیل شده‌اند و راندمان کاری گذشته را ندارند و از بین رفته است و نمی‌دانم تا چه مدت زمان این وضعیت ادامه خواهد داشت چرا که آنچه پیش روی ما است و می‌بینیم زندگی سخت و نگران مردم جامعه است. البته دراین مدت زمان حمایت‌های اندکی از سوی وزارت فرهنگ انجام گرفته اما کافی نیست به‌طور مثال در همان اوایل شیوع این بیماری مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان به حساب هنرمندان (هنرکارت) واریز شد اما پس از آن حمایتی انجام نگرفت. هنرمندان درخواست‌شان از متولیان فرهنگی حمایت و پشتیبانی است بخصوص افرادی که تنها حرفه‌شان تدریس است و در آموزشگاه‌ها مشغول به‌کار هستند و این مشکلات امرار و معاش روزمره آنها را به حداقل رسانده است.

شرایط آموزش آنلاین هم مشکلات خود را دارد اولاً که آن ارتباط حسی و عاطفی که می‌بایست بین شاگرد و استاد شکل بگیرد، وجود ندارد و یکی از دلایلی که تا به امروز بازخورد خوبی از این شیوه آموزشی دریافت نکرده‌ایم همین موضوع بوده است، نکته دیگر وضعیت سرعت اینترنت است که متأسفانه شرایط نامناسب اینترنت، کندی و قطعی آن موجب افت کیفیت صدا و تصویر شده است. موضوع بعدی این است که بخشی از مردم جامعه با فضای مجازی و سیستم آنلاین‌ای ندارند و اگر هم آگاهی و آشنایی هم باشد بازهم شرایط اینترنت خوب مهیا نیست، به‌هر حال شرایط اکنون

اینگونه است و بایستی امیدوار بود و از سوی دیگر منتظر ماند و دید چه پیش خواهد آمد.



اینگونه است و بایستی امیدوار بود و از سوی دیگر منتظر ماند و دید چه پیش خواهد آمد.

جولایی، عطایی، شوپن و جیمز باند

چی بخوانیم؟
در حال حاضر دو پیشنهاد دارم. اول مجموعه داستان «پاپیز ۳۲» نوشته رضا جولایی. پیش‌تر از او رمان‌های «سوء قصد به ذات همایونی»، «بیک پرونده کهنه»، «شب ظلمانی یلدا» و «صاع غمگین ماه سرخ» را خوانده‌ام و از نویسندگان محرویم به شمار می‌آید. «پاپیز ۳۲» یک مجموعه داستان است که مانند دیگر آثار این نویسنده از شخصیت‌ها یا رویدادهای تاریخی در آن بهره جسته. رضا جولایی تخصص عجیبی در روایت قصه‌هایش در میان صفحات تاریخ معاصر ایران دارد. خواندن کتاب‌های او همانند دیدن فیلمی پر از جزئیات روی پرده عریض سینماست. دوم، کتاب «کور سرخی» اثر عالیبه عطایی. کتاب تشکیل شده از مجموعه روایت‌هایی کوتاه درباره جنگ در افغانستان و تشریح درد و رنج و هراس مردم افغانستان در این برهه از تاریخ کشورشان. در این کتاب هم مانند کتاب قبلی نویسنده شاهد داستان‌ها و روایت‌هایی ظاهراً بی ارتباط با یکدیگر هستیم که انگار نخی نامریی در میان آنها تنیده شده و شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. عالیبه عطایی به قول سینمایی‌ها یک تریلر نویس است و توانایی کم نظیری در انداختن هول و هراس به جان خواننده دارد.

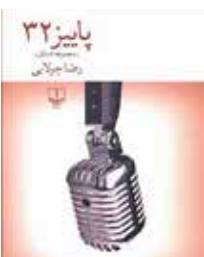
چی بشنویم؟
من در این تابستان گرم ترجیح می‌دهم موسیقی خنک کننده گوش کنم. موسیقی که جسم و روانم را خنک و سبک کند. پیشنهادم شنیدن مجموعه آثار فردریک شوپن است.

چی بینیم؟
من در حال حاضر در حال مرور مجموعه کامل فیلم‌های جیمز باند هستم و خیلی هم از این کار لذت می‌برم. این مجموعه فیلم‌ها از سال ۱۹۶۲ تاکنون در حال تولید شدن هستند و تا امروز ۲۵ فیلم از این مجموعه ساخته شده. هر وقت احساس خستگی می‌کنم، یکی از این فیلم‌ها می‌تواند حالم را خوب کند. دیدن صحنه‌های زد و خورد، عاشق شدن‌ها و دل‌کنان‌ها و چاشنی طنز انگلیسی این مأمور سازمان جاسوسی بریتانیا برایم لذت بخش است و سیر تحولی این شخصیت در طول نزدیک به ۷۰ سال بسیار آموزنده است.

پیشنهاد



کاوه می‌ساقزاده کارگردان



در هر «لحظه» ی رنج کشیدن، باور دارم این همان لحظه‌ایست که در آن برای نخستین بار سوگواری را درک می‌کنم. به عبارت دیگر: تمامیت سختی.

خاطرات سوگواری/ رولان بارت/ محمد حسین واقف

فرا تر از یک نام

پنجره‌ای رو به دیوار



رضا آشفته منتقد

این روزها در خبرها خواندیم که سرانجام نام یک کوچه به نام «حمید سمندریان» مزین شده، این در حالی است که نام حمید سمندریان و مانند او فرا تر از نام یک کوچه و خیابان است. اگر تا کنون بازیگری در صحنه تئاتر یا در برابر دوربین فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی خوش درخشیده است حتماً شاگرد حمید سمندریان بوده یا اینکه شاگرد شاگردان حمید سمندریان است. او یکی از بهترین استادان بنام بازیگری است که از اواخر دهه سی از آلمان به ایران بازگشت و با راه‌اندازی گروه تئاتر پاسارگاد نخستین گروه بازیگران آموزش دیده‌اش را به تئاتر آورد که در میان آنها شادروان پرویز فنی‌زاده، شادروان پرویز پورحسینی و سعید پورصمیمی از جمله نام آوران عرصه بازیگران ایران شده‌اند و سپس از میانه دهه چهل شمسی با راه‌اندازی دانشکده هنرهای زیبا و گرفتن دانشجویان تئاتر، سمندریان یکی از استادان ثابت و بنام این دانشکده شد و بسیاری از دانشجویان کارگردانی و بازیگری زیر نظر او توانستند پله‌های پیشرفت را ببیمایند. هر بازیگر خوشنامی که این روزها در ایران می‌شناسیم حتماً از همین دانشکده و از دوره‌های سمندریان سود برده است. رضا کیانیان، امین تارخ، اصغر همت و... از این دانشکده پا به عرصه حرفه‌ای نهاده‌اند و به مرور دچار درخشش و در خوش نامی‌های بی‌بدیل شده‌اند و برخی خود نیز در جهت آموزش همین راه و روش سمندریان را تداوم بخشیده‌اند.

سمندریان بدرستی راه و رسم بازیگر و کارگردان شدن را از ادوارد مارکس یکی از استادان بنام تئاتر در آلمان آموخته و در دستپاری اش، آن آموزه‌ها را تا سرحد حرفه‌ای پیش برده، به ایران آمده و پس از عبدالحسین نوشین که در دهه ۲۰ آموخته‌های تئاتری اش از فرانسه را به ایران آورد و بعد مصطفی و مهین اسکویی که در دهه سی آموخته‌های علمی و تئاتری خود را از روسیه به ایران آوردند، او چهارمین نفری است که با نظرگاه علمی همه را متوجه یک تئاتر دقیق و استاندارد می‌کند و باعث دگرگونی و تحول بنیادین در اختیار تئاتر و همچنین پیشرفت جریان بازیگر و هنرهای نمایش کشورمان (تئاتر، سینما و سریال) می‌شود بنابراین هرچه داریم از صدقه سری امثال اوست که توانسته‌ایم بسترهای بهتر و زیبایی شناسانه را در تئاتر ایجاد کنیم.

حتی استادان بنامی چون عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی و اسماعیل شنگله سال‌ها که تجربه تئاتر و سینما داشتند با افتخار خود را شاگرد و بهره‌مند از کلاس و درس و شیوه بازیگری حمید سمندریان نامیده‌اند. متأسفانه پس از انقلاب، از سر ناچاری مدتی در رستورانی در خیابان فلسطین مشغول به کار شد تا دوباره در دانشگاه آزاد مشغول به کار شد و باز هم شاگردان درجه یک و ممتازی را به سینما و تئاتر معرفی کرد. سپس از سال ۷۳ آموزشگاه بازیگری سمندریان را راه‌اندازی کرد که اکنون خودش و سپس شاگردانش به‌همین شیوه بسیاری از بازیگران خوشنام را روانه بازار حرفه‌ای سینما و تئاتر و تلویزیون کرده‌اند. حامد بهداد، محمدرضا فروتن، افسانه ماهیان، احمد ساعتچیان و... نمونه‌های بارز از شاگردان او هستند.

بنابراین راه و روش سمندریان همچنان ماندگار است و دامنه تأثیرش هم بسیار گسترده است و اینها دلالت بر خوشنامی و نام جاودانه حمید سمندریان می‌کند که می‌تواند دنیای هنر ما را همچنان دچار دگرگونی‌های زیبایی شناسانه کند. بیش از پنج دهه فعالیت سمندریان فراتر از آن است که بشود آن را فراموش کرد و همین نکته نابی است که نام این هنرمند بزرگ را فراتر از نام کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌تواند بر ما یادآوری کند بنابراین هر اثر نمایشی که از شاگردان و پیروان او به صحنه می‌آید یا بازی زیبایی بازیگران سینما و سریال بدون درنگ یادآور نام سمندریان است. همچنین خوشنامان دیگری که نامشان می‌تواند بر نام خیابان‌های شهرهایمان باشد و این وظیفه شوراهای شهر است که به افتخار این بازی خوشنام‌سازی کوچه و بازار را در دستور کارشان قرار دهند.

عکس نوشت

صنایع دستی در کشور ایران تنوع بسیاری دارد، صنایع دستی را میراث فرهنگی و نمادی از نوع زندگی و فرهنگ آن جامعه خوانده‌اند. برگزاری آریا عکس‌های زیبایی از صنایع دستی خراسان جنوبی گذاشته است و آن را نماد ذوق و هنر مردمان کویر خوانده است.

